

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

سال سیزدهم، شماره ۵۱ (پاییز ۱۴۰۳) صص ۱۲۵-۱۵۵

نفوذ؛ مؤلفه‌های محوری، چیستی و چرایی

مبثنی بر فراترکیب آثار بومی

● احمد قلی پور ●

دکتری مدیریت دولتی دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

● مجید مختاریان پور ●

عضو هیات علمی گروه خط مشی گذاری و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی، دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

● سیدمجتبی شهرآئینی ●

دانشجوی دکتری گروه خط مشی گذاری و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی، دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶

چکیده

در شرایطی که نفوذ به یکی از پیچیده‌ترین تهدیدهای نرم و چندلایه علیه امنیت ملی ایران بدل شده، نبود چارچوبی جامع و بومی برای تحلیل این پدیده، یکی از شکاف‌های اساسی ادبیات علمی کشور است. این مطالعه کیفی با بهره‌گیری از روش فراترکیب و تحلیل متون علمی با نرم‌افزار MAXQDA، تصویری یکپارچه، نظام‌مند و تحلیلی، از چیستی و چرایی پدیده نفوذ در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد. برای این منظور، ۳۰ سند معتبر علمی شامل کتب و مقالات مرتبط، پس از غربالگری دقیق انتخاب شدند و با تحلیل عمیق آنها یافته‌های پژوهش در قالب ۷۸ کد، ۴۲ مفهوم، ۹ زیرمقوله و ۳ مقوله ساختار یافته‌اند. یافته‌های پژوهش مؤلفه‌های محوری نفوذ را در سه بخش مبدأ نفوذ، مقصد نفوذ و عوامل نفوذی تحلیل نموده و سپس به چیستی پدیده نفوذ شامل ورود و اثرگذاری و ابعاد و انواع نفوذ می‌پردازد. همچنین چرایی نفوذ شامل علل نفوذ و اهداف نفوذ احصا شده است. در مجموع، بر اساس یافته‌های تحقیق علل نفوذ، «حداکترسازی منافع ملی دشمن»، «وجود وضعیت تخاصم» و «استمرار نظام سلطه» است. نفوذ به معنی «ورود» عوامل نفوذی «مبدأ نفوذ» در «مقصد نفوذ» و «اثرگذاری» آنان است که به منظور تحقق یکی از چهار هدف راهبردی نفوذ شامل «مهار»، «نابودی»، «همسوسازی محدود» و «همسوسازی کامل» نظام جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود. این پژوهش با ارائه چارچوبی مفهومی و بومی، کوشیده است مبنایی نظری برای فهم چیستی و چرایی پدیده نفوذ فراهم آورد که قابل بهره‌گیری در تحلیل، سیاست‌گذاری و اقدام مؤثر در مواجهه با نفوذ دشمن در ایران می‌باشد.

کلیدواژه‌گان: نفوذ، مؤلفه‌های محوری نفوذ، چیستی نفوذ، چرایی نفوذ، فراترکیب.

مقدمه و بیان مسئله

شناخت هر پدیده، نخستین گام در مسیر مواجهه مؤثر با آن است؛ این اصل به‌ویژه در مورد پدیده‌ای پیچیده، پنهان و چندلایه مانند «نفوذ» اهمیت دوچندان می‌یابد. نفوذ، از جمله تهدیدهایی است که در سال‌های اخیر، به‌ویژه در ادبیات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه ویژه‌ای یافته است. در شرایطی که دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل ناکامی در اعمال فشار از طریق جنگ سخت، از ابزارهای جایگزین استفاده می‌کنند، بهره‌گیری از نفوذ به‌عنوان ابزاری پنهان و راهبردی برای اثرگذاری بر ساختارهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری کشور، در اولویت قرار گرفته است (بصیری و باقری، ۱۳۹۷؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که خطر نفوذ، امروز بیش از هر زمان دیگری جدی است. این پدیده نه فقط در قالب نفوذ اطلاعاتی یا جاسوسی کلاسیک، بلکه به‌صورت نفوذ فکری، فرهنگی، ساختاری و جریانی دنبال می‌شود و اهداف متنوعی را دنبال می‌کند. برای درک ابعاد پیچیده این پدیده، بررسی نمونه‌های تاریخی بسیار روشنگر است. برای مثال، در دولت یوگسلاوی، یکی از مشاوران نزدیک ژنرال تیتو پس از سی سال فعالیت در سطوح عالی حکومت به اتهام جاسوسی بازداشت شد. او در بازجویی اعتراف می‌کند: «من اطلاعاتی را ردوبدل نمی‌کردم، وظیفه‌ام این بود که در نظام حکومتی یوگسلاوی، هر کسی را که کار درست می‌کرد خراب کنم و هر آدم ناکارآمدی را بزرگ کنم. در تمام این سال‌ها فقط همین کار را کردم» (دهقانی، ۱۳۹۹). این مثال، عمق و ابعاد پنهان نفوذ را آشکار می‌سازد؛ نفوذ می‌تواند در بلندمدت، بدون هیچ نشانه مشخصی، بنیان‌های سلامت تصمیم‌گیری و مدیریت یک کشور را از درون تخریب کند.

از سوی دیگر، توسعه ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی، جهانی شدن رسانه‌ها و شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای، فرصت‌های بیشتری را برای بازیگران متخاصم جهت اجرای طرح‌های نفوذ فراهم آورده است (دهقانی، ۱۳۹۹؛ متقی و امینی، ۱۳۹۶). در چنین شرایطی، شناخت دقیق و چندسویه پدیده نفوذ، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ امنیت ملی بدل شده است.

پژوهش‌های بسیاری به بررسی ابعاد و مصادیق نفوذ پرداخته‌اند؛ برخی از منظر نظری و مفهومی به تحلیل این پدیده اقدام کرده‌اند همانند (احمدیان، ۱۳۹۴؛ روحی و همکاران، ۱۴۰۱) و برخی دیگر به بررسی ابعاد مختلف نفوذ در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته و الگوهای مقابله با آن را بر اساس

بیانات ایشان استخراج کرده‌اند (دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ گنج‌خانی، ۱۴۰۲)، گروهی از پژوهش‌ها نیز بر واکاوی راهبردها و ابزارهای مقابله با نفوذ در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و اطلاعاتی متمرکز بوده‌اند (بصیری و باقری، ۱۳۹۷؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶) و دسته‌ای نیز به تحلیل گفتمانی، ساختاری یا تاریخی پروژه نفوذ و ابزارهای آن پرداخته‌اند (دهقانی، ۱۳۹۹؛ گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷؛ متقی، ۱۳۹۹).

علی‌رغم گستردگی و حساسیت موضوع، هنوز در ادبیات علمی کشور، تصویر روشن، یکپارچه و منسجمی از چیستی و چرایی نفوذ ارائه نشده است. ادبیات موجود، گرچه پر حجم است، اما اغلب پراکنده، تکراری یا مبتنی بر تعاریف و دسته‌بندی‌های ناهمگون است و همین امر، درک دقیق و جامع از این پدیده را دشوار ساخته است. به نظر می‌رسد نبود یک چارچوب نظری و تحلیلی جامع که بتواند لایه‌های مختلف نفوذ را به صورت یکپارچه تحلیل کند، یکی از شکاف‌های جدی در پژوهش‌های این حوزه است. در این راستا، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با بهره‌گیری از روش فراترکیب^۱، به تحلیل، دسته‌بندی و ترکیب تفسیری یافته‌های پژوهش‌های پیشین در این حوزه بپردازد تا تصویری جامع، روشن و چندلایه از چیستی و چرایی پدیده نفوذ ارائه دهد. شایان ذکر است که این پژوهش صرفاً به مطالعات منتشر شده به زبان فارسی محدود شده است. این محدودسازی از آن رو صورت گرفته که هدف اصلی پژوهش، فهم پدیده نفوذ در بستر ویژه جمهوری اسلامی ایران است. تمرکز بر منابع فارسی، امکان دسترسی به تحلیل‌های سازگار با گفتمان، بافت، تهدیدات و ساختارهای بومی ایران را فراهم می‌سازد؛ همچنین، ادبیات داخلی در دهه اخیر، به ویژه پس از هشدارهای مکرر مقام معظم رهبری در خصوص نفوذ، رشد و عمق بیشتری یافته که همین امر زمینه مناسبی برای تحلیل جامع در این حوزه را فراهم آورده است.

بر اساس آنچه گفته شد، پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو پرسش اساسی در باب چیستی و چرایی بروز پدیده نفوذ است. هدف نهایی این پژوهش نیز، ارائه یک چارچوب مفهومی جامع و بومی برای درک چیستی و چرایی پدیده نفوذ در زمینه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است؛ چارچوبی که بتواند به مثابه مبنای نظری در سیاست‌گذاری، هشداردهی، آموزش و طراحی اقدامات مؤثر در مواجهه با نفوذ دشمن مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

موضوع نفوذ به عنوان یکی از مسائل حساس و پیچیده در فضای علمی کشور مورد توجه گسترده‌ای قرار گرفته است. طی سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف این پدیده پرداخته‌اند که هر یک از دیدگاهی خاص و با تمرکز بر جنبه‌ای محدود از نفوذ به تحلیل آن پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً با روش‌های توصیفی-تحلیلی، کیفی و داده‌محور انجام شده و به تبیین موضوعاتی مانند نفوذ فرهنگی، نفوذ فکری، نفوذ اقتصادی و نفوذ سیاسی-امنیتی در بستر جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. برخی پژوهش‌ها به بررسی زمینه‌ها و مصادیق نفوذ فرهنگی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و آموزشی پرداخته‌اند؛ مانند مطالعه حسینی‌نژاد و ارجینی (۱۴۰۱) که نفوذ فرهنگی را در چارچوب تأثیرات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب بررسی کرده‌اند. همچنین پژوهش روحی و همکاران (۱۴۰۱) به تبیین نسبت مفاهیم قدرت نرم، جنگ نرم و جنگ شناختی با نفوذ فکری پرداخته و تأکید کرده‌اند که نفوذ تلاش قدرت‌های خارجی برای تغییر ارزش‌های حیاتی جامعه است.

مطالعات دیگری مانند بیات (۱۳۹۹) نفوذ فرهنگی را به مثابه «اسب تروای غرب» معرفی کرده و ابزارهای متنوع آن از جمله تضعیف زبان فارسی و رسانه‌های خارجی را تحلیل نموده‌اند. در حوزه راهبردهای مقابله، دهقانی (۱۳۹۹) با تأکید بر آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی، نقش مهم ایمان و باور در خنثی‌سازی نفوذ فکری-ایدئولوژیک را برجسته ساخته است. همچنین تحقیقات دوستدار و ذوقی (۱۳۹۸) و گنج‌خانی (۱۴۰۲) به تفصیل شیوه‌ها و راهکارهای مقابله با نفوذ دشمن در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پرداخته‌اند.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۹) با رویکرد کیفی به بررسی اصول مقابله با نفوذ امنیتی آمریکا پرداخته‌اند و تأکید کرده‌اند که راهبردهای مؤثر باید بر اساس شناخت دقیق تهدیدها و نقاط قوت داخلی باشد. پژوهش‌های تاریخی و گفتمانی نیز به تحلیل نفوذ در بسترهای اجتماعی-فرهنگی و تاریخی پرداخته‌اند، مطالعاتی مانند مطیعی و همکاران (۱۳۹۹) که گفتمان نفوذ را در عصر امیرالمؤمنین علی (ع) بررسی کرده‌اند. همچنین پژوهش‌های تحلیلی و نظام‌مندتر مانند گوهری‌مقدم و کیانی مجاهد (۱۳۹۷) تلاش کرده‌اند پروژه نفوذ را به صورت سیستمی و با نگاه به ابزارهای دیپلماتیک و غیر دیپلماتیک تحلیل کنند. شایان توجه است که با توجه به ماهیت روش فراترکیب که مبتنی بر

تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های پیشین است، در بخش یافته‌ها به‌طور جامع به پیشینه پژوهشی پرداخته شده است.

در نهایت، علی‌رغم تنوع و عمق نسبی مطالعات، همچنان شکاف جدی در ادبیات علمی کشور دیده می‌شود؛ نبود یک چارچوب و تعریف جامع، منسجم و فراگیر در رابطه با پدیده نفوذ که مانع از شکل‌گیری بدنه‌ای نظام‌مند از دانش در این حوزه حیاتی شده است. همچنین، فقدان یک تعریف جامع سبب شده است که برخی پژوهشگران حتی در درون پژوهش‌های خود نیز یا تعریف مشخص و واضحی از نفوذ ارائه ندهند، یا به تعریفی که ارائه داده‌اند پایبند نباشند، که این موضوع به آشفتگی بیشتر فهم و تحلیل‌های موجود دامن زده است. پژوهش حاضر درصدد است با بهره‌گیری از روش فراترکیب و تحلیل نظام‌مند یافته‌های پیشین، تصویری روشن، یکپارچه و چندلایه از چیستی و چرایی نفوذ ارائه نماید که بتواند خلأهای موجود را جبران کرده و به فهم عمیق‌تر این پدیده در بستر جمهوری اسلامی ایران کمک کند.

مبانی نظری

در این بخش به تعریف مفهوم نفوذ و جایگاه نظری آن در چهار حوزه دانشی علوم سیاسی، علوم اقتصادی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پرداخته می‌شود.

تعریف نفوذ

مفهوم نفوذ در لغت‌نامه وبستر به‌عنوان قدرت یا ظرفیت ایجاد یک اثر به‌صورت غیر مستقیم یا نامحسوس و بدون اعمال زور یا فرمان مستقیم تعریف شده است. در ادبیات مربوط به نفوذ نیز تعاریف متعددی از نفوذ مطرح شده است. اکبری (۱۳۹۹) نفوذ را مدیریت راهبردی مجموعه‌ای از کنش‌های آشکار و پنهان نظام‌مند که هدف از آنها تأثیرگذاری مستقیم یا غیر مستقیم بر فرآیندهای گفتمانی و ساختاری جامعه هدف در راستای منافع و مقاصد مطلوب طراحان و مجریان می‌باشد، تعریف می‌کند. احمدیان (۱۳۹۴) نفوذ را رویکرد و مجموعه اقداماتی تعریف می‌کند که به منظور تأمین کامل اهداف تهدید و جنگ به روشی سهل‌تر و یا حداقل زمینه‌سازی تهدید، تسهیل و تسریع پیروزی در هریک از انواع جنگ، طرح‌ریزی و اجرا می‌شود. علوی و مجاهد (۱۳۹۶) نیز بیان

می‌کنند که نفوذ، عملیاتی از سوی دشمن برای ورود به قلمرو حریف و ضربه از درون به امنیت ملی یک کشور است و معمولاً فرآیندی دو مرحله‌ای را شامل می‌شود:

- ورود یکی از عوامل چهارگانه دشمن (ابزار فنی، فکر، نیروی انسانی و ...) به داخل قلمرو حریف؛
- اقدام از طریق عوامل نفوذی در موضوعات مختلف (اعم از جمع‌آوری، خرابکاری، فریب و غیره).

جایگاه نظری مفهوم نفوذ در دانش‌های مختلف

پدیده نفوذ، به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات قدرت و سیاست، در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای را در میان پژوهشگران حوزه‌های گوناگون به‌خود جلب کرده است. پیچیدگی ذاتی و چندوجهی بودن این پدیده، آن را به موضوعی فرارشته‌ای تبدیل کرده که تحلیل جامع آن صرفاً در چارچوب یک دانش یا رویکرد خاص ممکن نیست. به‌همین دلیل، بررسی علمی نفوذ مستلزم بهره‌گیری هم‌زمان از ظرفیت‌های مفهومی و روش‌شناختی در حوزه‌هایی چون علوم سیاسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و دیگر شاخه‌های علوم است. هر یک از این حوزه‌ها، با تکیه بر نظریه‌های خاص خود، بُعدی از واقعیت پنهان و پیدای نفوذ را آشکار می‌سازند و می‌توانند ما را در فهم عمیق‌تر از سازوکارها، اهداف و پیامدهای آن در سطوح فردی، نهادی و ساختاری یاری دهند.

در علوم سیاسی، نفوذ عمدتاً به‌عنوان ابزاری از جنس قدرت نرم و سلطه غیر مستقیم تحلیل می‌شود. برای مثال، نظریه «قدرت نرم» (Nye, J. S., 2004) بیان می‌کند که قدرت می‌تواند از طریق جذابیت فرهنگی و ایدئولوژیک بدون اجبار اعمال شود. همچنین نظریه «بحران مشروعیت» (Haber-mas, 1975) بر کاهش اعتماد مردم به نهادهای سیاسی تأکید دارد که زمینه‌ساز نفوذ سیاسی می‌شود. «نظریه ثبات هژمونیک» (Kindleberger, 1973) کمک می‌کند تا فهم کنیم چگونه نفوذ بازیگران هژمونیک جهانی در قالب فشارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، با هدف حفظ نظم جهانی و منافع خود، شکل می‌گیرد.

در علوم اقتصادی نیز، پدیده نفوذ جایگاهی محوری در تبیین نحوه شکل‌گیری وابستگی‌های ساختاری، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، و رفتارهای مصرفی و سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند. نظریه‌هایی چون «وابستگی» (Frank, 1966) و «نظام جهانی» (Wallerstein, 1974) نشان می‌دهند که

چگونه ساختارهای اقتصادی جهانی، نابرابری و نیاز به بیرون را در کشورهای ضعیف نهادینه می‌کنند. از سوی دیگر، «اقتصاد رفتاری» تأکید دارد که نفوذ می‌تواند از طریق تلنگرهای روان‌شناختی و سوگیری‌های شناختی، بر انتخاب‌های فردی اثر بگذارد (Thaler, & Sunstein, 2008).

دانش جامعه‌شناسی با تمرکز بر قدرت، فرهنگ، طبقه و نهادهای اجتماعی، نفوذ را به‌مثابه فرآیندی از بازتولید نظم اجتماعی تفسیر می‌کند. نظریه‌هایی مانند «بازتولید فرهنگی» نشان می‌دهند که چگونه طبقات مسلط، ارزش‌ها و سلیقه‌های خود را به‌عنوان هنجار عمومی تثبیت می‌کنند (بورديو، ۱۹۸۴). همچنین «کنش متقابل نمادین» تأکید می‌کند که معنا، هویت و تعامل اجتماعی، ابزارهایی بنیادین برای نفوذ نرم در ساخت اجتماعی به‌شمار می‌روند (Mead, 1934). همچنین در نظریات جدیدتر مانند «جامعه شبکه‌ای»، نفوذ در بستر جریان‌های اطلاعاتی و رسانه‌ای بازتعریف می‌شود، جایی که کنترل نمادین و بازنمایی دیجیتال به ابزارهای اصلی اعمال قدرت تبدیل شده‌اند (Castells, 1996). بدین ترتیب، علوم اجتماعی با بهره‌گیری از طیفی از نظریه‌های خرد و کلان، نفوذ را به‌عنوان پدیده‌ای عمیق، چندلایه و بازتولیدشونده در بطن زندگی اجتماعی تحلیل می‌کند.

در علوم روان‌شناسی نیز نفوذ به‌عنوان فرآیندی شناختی، رفتاری و اجتماعی که منجر به تغییر نگرش، تصمیم‌گیری یا رفتار افراد می‌شود، جایگاهی بنیادین دارد. نظریه کلاسیک «همنوایی» بیان می‌دارد که افراد در موقعیت‌های اجتماعی برای پرهیز از طرد یا جلب پذیرش، باورهای خود را با گروه تطبیق می‌دهند (Asch, 1951). «نظریه شناخت اجتماعی» نیز بر یادگیری مشاهده‌ای و نقش مدل‌سازی رفتاری تأکید می‌کند، جایی که افراد با مشاهده رفتارهای دیگران و پیامدهای آنها، الگوهای رفتاری خود را شکل می‌دهند (Bandura, 1986). «نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده» تبیین می‌کند که چگونه نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل ادراک شده می‌توانند رفتار را هدایت کنند (Ajzen, 1991). همچنین در حوزه روان‌شناسی دیجیتال، پژوهش‌هایی چون «اثر دستکاری موتور جست‌وجو» (Epstein, 2015) و مطالعات مربوط به «نفوذ در شبکه‌های اجتماعی» (کرامر^۲ و همکاران، ۲۰۲۰) بیان می‌کنند که الگوریتم‌ها، فیلترهای محتوایی و طراحی محیط‌های آنلاین، می‌توانند انتخاب‌ها، احساسات و باورهای کاربران را به‌گونه‌ای ناپیدا اما عمیق، هدایت کنند.

1. Bourdieu
2. Kramer

ترکیب این نظریه‌ها و مفاهیم از حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی، امکان درک چندبعدی و جامع‌تری از پدیده نفوذ در بستر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌آورد. این رویکرد چندرشته‌ای به شناسایی سازوکارها و پیامدهای نفوذ کمک کرده و مبنای نظری مناسبی برای تحلیل و طراحی راه کارهای مقابله با نفوذ فراهم می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش یک پژوهش کیفی است که با استفاده از روش فراترکیب انجام شده است. خردمایه انتخاب این روش آن است که با توجه به پیچیدگی و چندوجهی بودن پدیده نفوذ و تنوع یافته‌ها و دیدگاه‌های موجود، این امکان را فراهم می‌آورد تا با گردآوری و تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های پیشین یک چارچوب جامع، یکپارچه و نوین برای فهم بهتر چیستی و چرایی نفوذ ارائه شود.

فراترکیب نوعی پژوهش کیفی است که از یافته‌های سایر مطالعات کیفی مرتبط با موضوع، به‌عنوان داده استفاده می‌کند و مستلزم بازنگری دقیق و عمیق مطالعات گذشته و ترکیب نتایج آنهاست (Zimmer, 2006). برخلاف مرور نظام‌مند که هدف آن ارائه خلاصه‌ای عینی از مطالعات موجود است، فراترکیب بر تفسیر یافته‌ها و تولید معنا بر پایه آنها تمرکز دارد و به توصیف یا تبیینی جامع و منسجم از پدیده مورد بررسی دست می‌یابد (Sandelowski & Barroso, 2007)، امکان کشف مفاهیم و استعاره‌های نو را برای پژوهشگر فراهم می‌سازد و با گسترش دانش موجود، نگاهی جامع و عمیق‌تر به پدیده‌ها ارائه می‌دهد (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). برای فراترکیب روش‌های مختلفی ارائه شده است که در پژوهش حاضر از روش سندلفسکی و باروسو (۲۰۰۷) استفاده شده است (شکل ۱). در ادامه به تشریح مراحل اجرای پژوهش براساس فرآیند فراترکیب سندلفسکی و باروسو پرداخته می‌شود.



شکل ۱- مراحل روش فراترکیب سندلفسکی و باروسو (۲۰۰۷)

(۱) تنظیم سؤال‌های پژوهش: در اولین قدم سؤالات پژوهش به صورت زیر تنظیم شد:

پدیده نفوذ چیست؟

چرا پدیده نفوذ رخ می‌دهد؟

(۲) مرور نظام‌مند ادبیات: جامعه پژوهش حاضر، شامل کلیه کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و گزارش‌های موجود در حوزه دانش علوم اجتماعی و انسانی از محل پایگاه‌های داده برخط است. بر مبنای سؤال‌های پژوهش و با مشورت با خبرگان، کلیدواژه «نفوذ» به عنوان کلیدواژه اصلی جست‌وجو تعیین شد. سپس، این کلیدواژه در «Google» و پایگاه‌های داده ایرانی «Magiran»، «SID»، «Civilica»، «IranDoc» و «Ensani» در عنوان، چکیده و کلیدواژه‌ها جست‌وجو شد و بیش از ۱۰۰۰ سند یافت شد.

(۳) جست‌وجو و انتخاب منابع مناسب: از بیش از ۱۰۰۰ سند یافت شده، براساس معیارهای اولیه

جست‌وجو شامل «قرار داشتن در بازه زمانی ۱۰ سال گذشته»، «زبان انتشار: فارسی»، «قرار داشتن در حوزه دانش علوم انسانی»، «تکراری نبودن» و «دسترسی به متن» مجموعاً ۳۵۰ سند شامل کتاب، مقاله و گزارش برگزیده شد. از میان مقالات گزینش شده در مرحله اول، بر اساس معیارهای ثانویه جست‌وجو شامل «ارتباط با پدیده نفوذ در ایران»، «ارتباط محتوایی با تبیین مفهومی و نظری نفوذ»، «میزان ارتباط با سؤال پژوهش»، «نتایج روشن»، «اهداف مناسب»، «روش تحقیق مناسب» و «به‌روز بودن»، ۳۰ سند داخلی برگزیده شدند.

(۴) **استخراج اطلاعات منابع:** اسناد انتخاب‌شده، با توجه به سؤالات پژوهش، به‌صورت خط به خط بررسی شده و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA، کدگذاری شدند. تمرکز اصلی این مرحله بر استخراج داده‌ها و شناسایی کدهای اولیه بود.

(۵) **تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها:** در این مرحله داده‌های استخراج شده و کدگذاری شده از مرحله چهارم، ترکیب شدند تا روابط و پیوندهای معنایی میان آنها شناسایی و تفسیر شود. کدهای اولیه در قالب مفاهیم، مفاهیم در قالب زیرمقوله‌ها و زیرمقوله‌ها نیز در قالب مقوله‌ها سازمان‌دهی شدند. این فرآیند کدگذاری، یک فرآیند رفت‌وبرگشتی مداوم بود که طی آن پژوهشگر به‌طور مکرر بین داده‌های خام، کدها و مقوله‌ها حرکت می‌کرد تا دقت و انسجام تحلیل تضمین شود. در پایان چستی و چرایی پدیده نفوذ، در قالب الگویی متشکل از ۷۸ کد، ۴۲ مفهوم، ۹ زیرمقوله و ۳ مقوله صورت‌بندی شد.

(۶) **کنترل کیفیت:** سندلفسکی و باروسو (۲۰۰۷) چهار نوع روایی را برای پژوهش‌های فراترکیب مطرح می‌کنند: روایی توصیفی، روایی تفسیری، روایی نظری، روایی عملی^۱. در این پژوهش، برای تأمین روایی توصیفی تلاش شد جست‌وجویی جامع و نظام‌مند انجام شود تا تمامی اسناد مرتبط شناسایی و بررسی گردند. اسناد منتخب، به‌طور کامل و خط‌به‌خط مطالعه و کدگذاری شدند. برای روایی تفسیری، شرح تفسیر داده‌ها توسط دو نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی و روش تحقیق مورد بازبینی قرار گرفت و منجر به اصلاح برخی کدها و ادغام چند کد مشابه شد. برای روایی نظری، الگوی نهایی پژوهش به همین خبرگان ارائه گردید؛ این بررسی، انسجام الگوی نهایی را تأیید کرد. به‌منظور تأمین روایی عملی، فرآیندها و یافته‌ها با جزئیات کافی گزارش شدند تا امکان

استفاده کاربردی و بازتولید نتایج فراهم باشد. در تمامی مراحل، پژوهشگر به طور مستمر با افراد خبره مشورت کرده و از بازخورد آنان در جهت بهبود دقت و اعتبار تحلیل‌ها بهره برد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

پس از تحلیل متن اسناد منتخب و کدگذاری آنها با توجه به سؤال‌های پژوهش و سپس طبقه‌بندی کدها در قالب مفاهیم و سپس مقوله‌ها، سه مقوله اصلی «مؤلفه‌های محوری نفوذ»، «چیستی نفوذ» و «چرایی نفوذ» شکل گرفتند که این مقوله‌ها به همراه زیر مقوله‌ها، مفاهیم و کدهای ذیل آنها در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱- کدهای مستخرج از تحلیل پژوهش‌های پیشین

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	مفاهیم	کدها	منبع
مبدأ نفوذ ^۱	در سطح کلان		شیطان	فیض و همکاران، ۱۳۹۴
			دشمن	احمدیان، ۱۳۹۴؛ نصیری و همکاران، ۱۳۹۷
			آمریکا	احمدیان، ۱۳۹۴
			سلطه‌گر	سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶
			قدرت‌های استعمارگر یا نظام سلطه	گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ احمدیان، ۱۳۹۴
			جبهه مقابل	بابایی، ۱۳۹۵
			کشورهای موافق نظم فعلی بین‌المللی	روحی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نصیری و همکاران، ۱۳۹۷
در سطح خرد	کشنگران فردی	کشنگران سازمانی	مأموران اطلاعاتی (عوامل نفوذی)	رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱
			سازمان‌های اطلاعاتی	سعیدی صابر و دژکام، ۱۴۰۱؛ آقیری، ۱۳۹۹؛ رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱
			سازمان‌های دارای ارتباطات بین‌المللی	سعیدی، ۱۳۹۹
مؤلفه‌های محوری نفوذ	در سطح کلان		کشور هدف	احمدیان، ۱۳۹۴
			جامعه هدف	گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ ب
			کشور مستقل	احمدیان، ۱۳۹۴
			نظام اسلایی	گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ ب
			کشورهای مخالف نظم بین‌المللی فعلی	روحی و همکاران، ۱۴۰۱
مقصد نفوذ ^۲	در سطح خرد (آماج نفوذ)	افراد	خواص و نخبگان (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، امنیتی، علمی، هنری و...)	تاجیک و همزه پور، ۱۴۰۲؛ رستم پور، ۱۴۰۲؛ رستمی، ۱۴۰۱؛ روحی و همکاران، ۱۴۰۱؛ متقی، ۱۳۹۹؛ گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴؛ فیض و همکاران، ۱۳۹۴
			اقتدار مختلف (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، امنیتی، علمی، هنری و...) به ویژه اقتدار اثرگذارتر مانند مسئولان، جوانان، دانشگاهیان و محوزویان	تاجیک و همزه پور، ۱۴۰۲؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ ب؛ بابایی، ۱۳۹۵؛ احمدیان

- از مبدأ نفوذ در منابع مختلف مورد تحلیل با عناوینی همچون نفوذگر (علوی و مجاهد، ۱۳۹۶)، نفوذکننده (گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶)، نفوذگذار (گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ ب) و نامحرم (احمدیان، ۱۳۹۴) یاد شده است.
- از مقصد نفوذ در منابع مختلف مورد تحلیل با عناوینی همچون نفوذ زده (گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ ب)، پذیرنده نفوذ (گوهری مقدم و

سیستم‌ها	سازمان‌ها و نهاد‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، امنیتی، علمی، هنری و...) به ویژه سازمان‌های اثرگذارتر	رستم‌پور، ۱۴۰۲؛ رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱؛ دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ بصیری و باقری، ۱۳۹۷
	سیستم‌های فنی	سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶
	بخش‌های مختلف به‌ویژه بخش‌های پرمشغول و راهبردی	سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ علوی و مجاهد، ۱۳۹۶
	سرزمین	فیض و همکاران، ۱۳۹۴
عوامل انسانی	داخلی یا خارجی	علوی و مجاهد، ۱۳۹۶
	آگاه یا ناآگاه	گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷؛ احمدیان، ۱۳۹۴
	مجبور یا مختار	گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷؛ مطیعی و همکاران، ۱۳۹۹
	نخبه یا غیرنخبه	تاجیک و همزه‌پور، ۱۴۰۲؛ رستم‌پور، ۱۴۰۲؛ رستمی، ۱۴۰۱؛ دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸
	غرب‌زده یا حزب‌اللهی	حسینی‌نژاد و ارجینی، ۱۴۰۱؛ مطیعی و همکاران، ۱۳۹۹؛ احمدیان، ۱۳۹۴
	اقتدار مختلف	دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸
عوامل سازمانی	داخلی یا خارجی (بین‌المللی)	گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷؛ دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ احمدیان، ۱۳۹۴
	دولتی یا غیردولتی	سعیدی، ۱۳۹۹
عوامل محتوایی	صوتی (موسیقی، سخنرانی و...)	گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷؛ باقری چوکامی، ۱۳۹۶؛ متقی و امینی، ۱۳۹۶
	تصویری (عکس، فیلم، سریال و...)	گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷؛ باقری چوکامی، ۱۳۹۶؛ متقی و امینی، ۱۳۹۶
	متنی (مقاله، کتاب، مجله و...)	احمدیان، ۱۳۹۴؛ باقری چوکامی، ۱۳۹۶
	عوامل فنی	علوی و مجاهد، ۱۳۹۶
	کالاهای	احمدیان، ۱۳۹۴؛ فیض و همکاران، ۱۳۹۴
ورود	حضور عامل نفوذی در قلمرو مقصد نفوذ	سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴؛ فیض و همکاران، ۱۳۹۴
	کسب شناخت	احمدیان، ۱۳۹۴؛ تاجیک و همزه‌پور، ۱۳۹۴

مؤلفه‌های محوری نفوذ (ادامه)

عوامل نفوذی

عوامل انسانی

عوامل سازمانی

عوامل محتوایی

ورود

۱۳۹۲			
مطیعی و همکاران، ۱۳۹۹	جمع‌آوری اطلاعات		
رستمی، ۱۴۰۱؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹	انتقال اطلاعات		
رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ نصیری و همکاران، ۱۳۹۷؛ افراشته و فرمان‌قرمایی، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴	تغییر یا تردید در ارزش‌ها (آنچه برای فرد مهم است)	ذهن	چستی نفوذ
حسینی‌نژاد و ارجینی، ۱۴۰۱؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ ب؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ باقری‌چوکامی، ۱۳۹۶؛ بابایی، ۱۳۹۵	تغییر یا تردید در باورها (آنچه از نظر فرد درست است)		
تاجیک و همزه‌پور، ۱۴۰۲؛ رستمی، ۱۴۰۱؛ دهقانی، ۱۳۹۹؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ فیض و همکاران، ۱۳۹۴	تغییر یا اختلال در الگوی برداشتی (نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات در ذهن فرد)		
رستمی، ۱۴۰۱؛ عالیخانی، ۱۴۰۰	ایجاد احساسات منفی و تضعیف روحیه	قلب	
حسینی‌نژاد و ارجینی، ۱۴۰۱؛ دهقانی، ۱۳۹۹؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ ب؛ احمدیان، ۱۳۹۴	کنترل گرایش‌ها و وابستگی‌ها (به ویژه ملی‌مذهبی)		
قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ احمدیان، ۱۳۹۴	تغییر سبک زندگی و الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی	رفتار	
دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴	هدایت رفتار جامعه و افراد در راستای منافع نفوذگر		
رستمی، ۱۴۰۱؛ سعیدی‌صابر و دزکام، ۱۴۰۱	الترگذاری بر تصمیم‌گیری‌های کلان و مدیریتی	سازمانی	
حسینی‌نژاد و ارجینی، ۱۴۰۱؛ مطیعی و همکاران، ۱۳۹۹	الترگذاری بر جایگاه‌های سازمانی افراد		
سعیدی‌صابر و دزکام، ۱۴۰۱؛ اکبری، ۱۳۹۹؛ رحیمی و دیگران، ۱۳۹۹؛ علوی و مجاهد، ۱۳۹۶	آسیب‌پذیری به افراد، زیرساخت‌ها و تجهیزات	فیزیکی	
دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ ب؛ بابایی، ۱۳۹۵	مثبت یا منفی	ابعاد نفوذ	چستی نفوذ (ادامه)
گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ ب	خودخواسته یا غیر خودخواسته		

گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶	مستقیم یا غیر مستقیم		
فیض و همکاران، ۱۳۹۴	تدریجی یا سریع		
گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴	آشکار یا پنهانی		
دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ احمدیان، ۱۳۹۴	موقتی یا دائمی		
سعیدی صابر و دژکام، ۱۴۰۱؛ احمدیان، ۱۳۹۴	بخشی از جمله نظامی یا جایگزین آن		
احمدیان، ۱۳۹۴؛ فیض و همکاران، ۱۳۹۴	سیاسی	انواع نقوذ برحسب عرصه ورود یا عرصه اثرگذاری	
دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ احمدی، ۱۳۹۶؛ علوی و مجاهد، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴؛ فیض و همکاران، ۱۳۹۴	اقتصادی		
تاجیک و همزه پور، ۱۴۰۲؛ حسینی نژاد و ارجینی، ۱۴۰۱؛ علوی و مجاهد، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴؛ فیض و همکاران، ۱۳۹۴	فرهنگی		
گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ فیض و همکاران، ۱۳۹۴	اجتماعی		
بیات، ۱۳۹۹؛ باقری چوکامی، ۱۳۹۶	نظامی		
رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ احمدیان، ۱۳۹۴	امنیتی		
بیات، ۱۳۹۹	علمی		
بیات، ۱۳۹۹	هنری		
گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ ب؛ احمدیان، ۱۳۹۴	حداکثرسازی منافع مبدأ نقوذ		
سعیدی صابر و دژکام، ۱۴۰۱؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷ الف؛ روحی و همکاران، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴	وجود وضعیت تخاصم		علل نقوذ
کنج خانی، ۱۴۰۲؛ رشمی، ۱۴۰۱؛ مطیعی و همکاران، ۱۳۹۹؛ دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷	استمرار نظام سلطه		
تاجیک و همزه پور، ۱۴۰۲؛ دهقانی، ۱۳۹۹؛ دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ قنبری و	تضعیف		
	مهار (اقتصاد)		

اهداف	سیاسی، نفوذ بین‌المللی امنیتی (...)	همکاران، ۱۳۹۷؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ علوی و مجاهد، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴؛ فیض و همکاران، ۱۳۹۴
نفوذ	جلوگیری از افزایش قدرت	تاجیک و همزه‌پور، ۱۴۰۲؛ رستم‌پور، ۱۴۰۲؛ رستمی، ۱۴۰۱؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ الف
	جلوگیری از نفوذ بین‌المللی مقصد نفوذ	بیات، ۱۳۹۹
	تغییر جهت‌گیری در عرصه نظام بین‌المللی	تاجیک و همزه‌پور، ۱۴۰۲؛ علوی و مجاهد، ۱۳۹۶؛ دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸
	تابودی	رستم‌پور، ۱۴۰۲؛ عالیخانی، ۱۴۰۰؛ بیات، ۱۳۹۹؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ روحی و همکاران، ۱۳۹۶؛ علوی و مجاهد، ۱۳۹۶؛ بابایی، ۱۳۹۵؛ احمدیان، ۱۳۹۴
	تابودی تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی	تاجیک و همزه‌پور، ۱۴۰۲؛ دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ احمدیان، ۱۳۹۴
	همسوسازی محدود	گوهری‌مقدم و کیانی‌مجاهد، ۱۳۹۷ ب
	همسوسازی کامل (اعمال سلطه)	حسینی‌نژاد و ارجینی، ۱۴۰۱؛ رستمی، ۱۴۰۱؛ دهقانی، ۱۳۹۹؛ مطیعی و همکاران، ۱۳۹۹؛ دوستدار و ذوقی، ۱۳۹۸؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ علوی و مجاهد، ۱۳۹۶؛ احمدیان، ۱۳۹۴

در ادامه ابتدا به سه مؤلفه محوری در تبیین مفهوم نفوذ یعنی «مبدأ نفوذ»، «مقصد نفوذ» و «عوامل نفوذی» پرداخته می‌شود و سپس چستی و چرایی نفوذ بر اساس نتایج فراترکیب حاضر تشریح می‌شود. شایان ذکر است از آنجا که کدها و مقوله‌های فرعی ذیل هر مقوله اصلی، در جدول ۱ قابل ردیابی هستند، در تشریح یافته‌ها، به دلیل رعایت اختصار، از درج مجدد منابع خودداری شده است.

۱- مؤلفه‌های محوری نفوذ

نفوذ، پدیده‌ای پیچیده و چندلایه است که در تعامل میان سه مؤلفه کلیدی مبدأ نفوذ، مقصد نفوذ و عوامل نفوذی تحقق می‌یابد. هریک از این سه مؤلفه در ادامه بر اساس نتایج فراترکیب صورت

گرفته تشریح می گردند:

۱-۱- مبدأ نفوذ

اولین مؤلفه محوری نفوذ، آن است که نفوذ دارای یک مبدأ است که در متون مختلف با عناوین مختلفی همچون نفوذگر، نفوذکننده، نفوذگذار، نامحرم و دشمن به آن اشاره شده است. مبدأ نفوذ در سطح کلان شامل یک کشور یا مجموعه کشورهایی است که در یک جبهه واحد قرار دارند (به عنوان مثال جبهه غرب). در سطح خرد، مبدأ نفوذ شامل کنشگران فردی و سازمانی است. کنشگران فردی شامل مأموران اطلاعاتی و سایر عوامل انسانی درگیر در عملیات نفوذ می شوند، درحالی که کنشگران سازمانی مواردی مانند سازمان های اطلاعاتی، وزارت امور خارجه و نهادهایی با ارتباطات بین المللی هستند که برنامه ریزی، اجرا و نظارت بر عملیات نفوذ را بر عهده دارند. در این پژوهش، اصطلاح «مبدأ نفوذ» به عنوان مفهوم محوری انتخاب شده است، زیرا این اصطلاح قابلیت پوشش تمامی ابعاد و سطوح کنشگران درگیر در طرح ریزی و اجرای فرآیند نفوذ را دارد.

۱-۲- مقصد نفوذ

دومین مؤلفه محوری نفوذ، وجود «مقصد نفوذ» است که در متون مورد تحلیل، بسته به رویکردهای نظری مختلف، با عناوینی همچون کشور هدف، جامعه هدف، کشور مستقل، نظام اسلامی و کشورهای مخالف نظم بین المللی فعلی از آن یاد شده است و شامل بازیگران، ساختارها و محیط هایی می شود که هدف تأثیرگذاری قرار می گیرند. مقصد نفوذ در دو سطح کلان و خرد قابل تحلیل است. در سطح کلان، مقصد نفوذ معمولاً به یک کشور یا مجموعه ای از کشورها اشاره دارد که در عرصه های گوناگون از جمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، امنیتی، علمی و هنری هدف نفوذ قرار می گیرند.

در سطح خرد نیز، مقصد نفوذ را می توان در سه دسته کلی مورد بررسی قرار داد:

افراد: شامل نخبگان و خواص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، امنیتی، علمی و هنری که تأثیرگذاری بالایی بر جامعه دارند، از مقاصد اصلی نفوذ هستند. علاوه بر این، اقشار مختلف، به ویژه گروه های اثرگذارتر مانند مسئولان، جوانان، دانشگاهیان و حوزویان، از دیگر اهداف نفوذ در این سطح محسوب می شوند.

سیستم‌ها: سازمان‌ها و نهادهای مختلف در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، امنیتی، علمی و هنری، به‌ویژه آن‌هایی که اثرگذاری راهبردی بیشتری دارند، به‌عنوان مقصد نفوذ مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین سیستم‌های فنی و بخش‌های کلیدی و پرمفعت، به‌ویژه آن‌هایی که نقش حیاتی در زیرساخت‌های کشور دارند، از اهداف مهم نفوذ محسوب می‌شوند.

سرزمین: علاوه بر افراد و سیستم‌ها، در برخی موارد، سرزمین نیز به‌عنوان مقصد نفوذ مطرح است. نفوذ به سرزمین می‌تواند در ابعاد مختلفی رخ دهد.

- **بعد نظامی و اطلاعاتی:** ورود عوامل نفوذی به سرزمین هدف با اهدافی مانند شناخت جغرافیا، توپوگرافی، زیرساخت‌ها و شرایط محیطی، که می‌تواند زمینه‌ساز حملات نظامی، عملیات‌های اطلاعاتی، جنگ‌های ترکیبی و سایر اقدامات راهبردی باشد. در این رویکرد، تحلیل سرزمین نقش کلیدی در برنامه‌ریزی‌های دفاعی و تهاجمی ایفا می‌کند.

- **بعد ژئوپلیتیکی و محیط‌زیستی:** سرزمین‌ها و کشورهای همسایه به‌صورت متقابل بر یکدیگر تأثیرگذارند. به‌عنوان مثال، یک بحران محیط‌زیستی مانند خشکسالی، آلودگی آب یا فرسایش خاک در یک سرزمین می‌تواند سرزمین‌های مجاور را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

- **بعد منابع و زیرساخت‌های استراتژیک:** منابع طبیعی مانند آب، انرژی و معادن از مهم‌ترین عوامل در رقابت و نفوذ بین کشورها هستند. برای نمونه، آب‌های جاری از سرزمین‌های مرتفع به مناطق پایین‌تر سرازیر می‌شوند و کشورهایی که در بالادست قرار دارند، می‌توانند با ساخت سد، کنترل منابع آبی و دیپلماسی آب، نفوذ و تأثیرگذاری خود را بر سایر کشورها افزایش دهند.

لازم به ذکر است، در پژوهش‌های پیشین، از مقصد نفوذ با اصطلاحاتی همچون نفوذزده، پذیرنده نفوذ و حریف یاد شده است. این پژوهش برای پوشش جامع‌تر ابعاد و سطوح مختلف تحلیل، از اصطلاح «مقصد نفوذ» به‌عنوان مفهوم محوری استفاده کرده است.

۱-۳- عوامل نفوذی

سومین مؤلفه محوری نفوذ، «عوامل نفوذی» هستند که به‌عنوان ابزارهای کلیدی مبدأ نفوذ در فرآیند اثرگذاری عمل می‌کنند. عوامل نفوذی به چند دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

عوامل انسانی: عوامل انسانی می‌توانند داخلی یا خارجی باشند و به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، از روی اجبار یا اختیار در فرآیند نفوذ نقش‌آفرینی کنند. این افراد طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند. از نخبگان علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تا افراد عادی که ممکن است به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر مبدأ نفوذ قرار بگیرند، از روشنفکران غرب‌گرا و افراد تأثیرپذیر از فرهنگ بیگانه تا کسانی که در ظاهر همسو با ارزش‌های بومی و ملی هستند اما در عمل به تضعیف آنها کمک می‌کنند، می‌توانند به‌عنوان عوامل نفوذی عمل نمایند.

عوامل سازمانی: عوامل سازمانی شامل نهادها و مجموعه‌هایی هستند که به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم در فرآیند نفوذ نقش ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها می‌توانند دولتی یا غیر دولتی، داخلی یا بین‌المللی باشند و از طریق سیاست‌گذاری، ایجاد شبکه‌های نفوذ، ارائه حمایت مالی و رسانه‌ای یا هدایت جریان‌های فکری و اجتماعی بر جامعه هدف تأثیر بگذارند. سفارتخانه‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، احزاب سیاسی، مراکز پژوهشی، رسانه‌های وابسته و نهادهای اقتصادی از جمله ساختارهایی هستند که می‌توانند به‌عنوان ابزار نفوذ مورد استفاده قرار گیرند. برخی از این سازمان‌ها با ایجاد پوشش‌های امور خیریه، حقوق بشری، فرهنگی یا علمی، به‌صورت پنهان اهداف مبدأ نفوذ را پیگیری می‌کنند و در مسیر تغییر نگرش‌ها، ایجاد وابستگی یا تضعیف ساختارهای بومی و ملی حرکت می‌کنند.

عوامل محتوایی: عواملی که از طریق انتشار پیام‌های هدفمند در رسانه‌های مختلف، افکار عمومی و باورهای جامعه را تغییر می‌دهند. این محتواها می‌توانند متنی (کتاب، مقاله)، تصویری (فیلم، سریال) یا صوتی (موسیقی، سخنرانی) یا ترکیبی باشند و در جهت القای ذهنیت خاص یا تضعیف ارزش‌های بومی استفاده شوند.

عوامل فنی: این عوامل شامل ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری هستند که برای نفوذ، جاسوسی، جمع‌آوری اطلاعات یا ایجاد اختلال در سیستم‌های مقصد نفوذ به‌کار می‌روند. تجهیزات سخت‌افزاری مانند دستگاه‌های شنود و ابزارهای هک، و نرم‌افزارهایی مانند بدافزارها و جاسوس‌افزارها، از جمله مهم‌ترین ابزارهای فنی در این حوزه محسوب می‌شوند.

عوامل طبیعی: عوامل طبیعی می‌توانند چه به‌صورت عامدانه و چه به‌صورت غیر عامدانه در نقش عامل نفوذی ظاهر شوند. این عوامل طیف متنوعی از پدیده‌ها و عناصر طبیعی را دربر می‌گیرند؛ از

هدف اثر گذاری فوری بر مقصد نفوذ و یا اثر گذاری در آینده باشد.

اثر گذاری بر مقصد نفوذ در چند سطح قابل طبقه بندی است:

ذهنی: اثر گذاری ذهنی شامل تغییر یا تردید در ارزش‌ها، باورها و نحوه پردازش اطلاعات است.

قلبی: اثر گذاری قلبی احساسات و وابستگی‌های افراد را هدف قرار داده و می‌تواند موجب تضعیف روحیه یا تغییر گرایش‌های ملی و مذهبی شود.

رفتاری: اثر گذاری رفتاری نیز باعث تغییر در سبک زندگی و هدایت رفتار جامعه و افراد در راستای منافع نفوذگر می‌شود و معمولاً از طریق رسانه‌ها، تولیدات فرهنگی و کالاهای خاص اعمال می‌شود.

سازمانی: در سطح سازمانی، عامل نفوذی بر فرآیندهای تصمیم‌گیری کلان و جایگاه‌های سازمانی افراد تأثیر می‌گذارد.

فیزیکی: اثر گذاری فیزیکی شامل آسیب فیزیکی به افراد، زیرساخت‌ها و تجهیزات می‌شود.

از جنبه عرصه‌های نفوذ، این امر می‌تواند در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، علمی و هنری صورت گیرد که این عرصه‌ها می‌توانند به صورت عرصه‌های اولیه یا ثانویه در فرآیند نفوذ مد نظر باشند؛ برای مثال، نفوذ اقتصادی ممکن است بستری برای نفوذ فرهنگی باشد یا نفوذ فرهنگی زمینه‌ساز تغییرات امنیتی و سیاسی شود.

همچنین، نفوذ می‌تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد. از منظر ارزش گذاری، نفوذ می‌تواند مثبت یا منفی تلقی شود؛ برای مبدأ نفوذ، تأثیر گذاری بر دیگران معمولاً امری مثبت به شمار می‌رود، اما برای مقصد نفوذ، بسته به آثار کمک‌کننده یا آسیب‌زا، نفوذ می‌تواند مثبت یا منفی ارزیابی شود. از منظر تمایل، نفوذ ممکن است خودخواسته یا غیر خودخواسته باشد؛ در برخی موارد، کشورها به دلایلی همچون خلأ قدرت یا توافقات فی‌مابین به‌طور آگاهانه پذیرای نفوذ می‌شوند و در برخی موارد بدون میل خود، تحت نفوذ قرار می‌گیرند. از منظر سرعت، نفوذ می‌تواند کند یا سریع باشد؛ گاه به دلیل غفلت مقصد نفوذ، این فرآیند به سرعت رخ می‌دهد، اما اغلب نفوذ روندی تدریجی دارد به گونه‌ای که تغییرات بدون آگاهی آشکار مقصد اتفاق می‌افتد. از منظر ماندگاری، نفوذ می‌تواند موقت یا دائمی باشد؛ در حالی که برخی عملیات‌ها همچون اقدامات تروریستی پایان مشخصی دارند، بیشتر فرآیندهای نفوذ ماهیتی پایدار دارند و کنشگران همواره در پی نفوذ بر دیگران یا مقابله با نفوذ

دسته دیگری از مؤلفه‌های توضیح‌دهنده چرایی نفوذ، به اقتضائات پسینی نفوذ که تحت عنوان اهداف نفوذ شناخته می‌شوند، مربوط است.

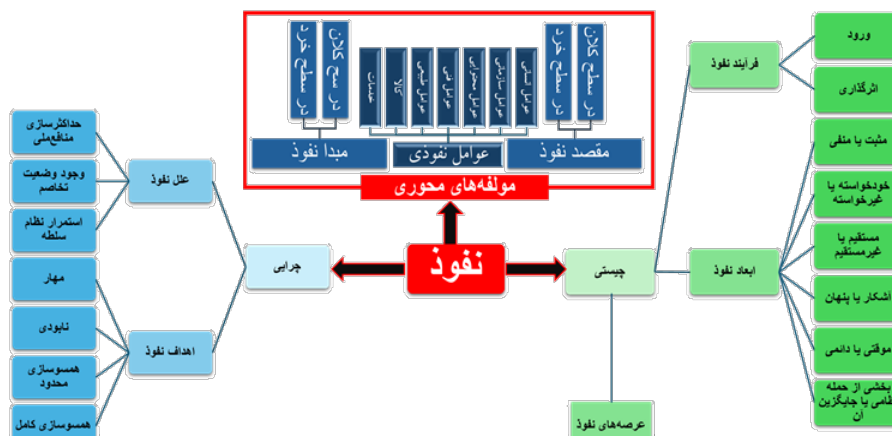
زمانی که یک مبدأ تصمیم به نفوذ می‌گیرد، معمولاً چهار هدف عمده را دنبال می‌کند:

• **مهار:** مهار شامل تضعیف، جلوگیری از افزایش قدرت و تغییر جهت گیری مقصد نفوذ در عرصه نظام بین‌الملل است. هدف از این اقدام، محدودسازی قدرت مقصد نفوذ به گونه‌ای است که دیگر نتواند تهدیدی برای منافع مبدأ باشد.

• **نابودی:** این هدف شامل نابودی نظام سیاسی و از بین بردن تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی مقصد نفوذ است. در این حالت، مبدأ نفوذ تلاش می‌کند تهدیدهای بالقوه یا بالفعل را به‌طور کامل از میان بردارد.

• **همسوسازی محدود (شراکت):** همسوسازی محدود شامل استفاده از برخی از مؤلفه‌های قدرت مقصد در راستای ارتقای منافع مبدأ نفوذ است.

• **همسوسازی کامل (سلطه):** هدف نهایی از نفوذ، سلطه بر کشور مقصد به گونه‌ای است که تمام سیاست‌ها و تصمیمات آن در راستای منافع مبدأ تنظیم شود. در این حالت، مقصد نفوذ عملاً استقلال خود را از دست داده و به بخشی از حوزه نفوذ مبدأ تبدیل می‌شود.



شکل ۲- الگوی نهایی پژوهش: مؤلفه‌های محوری و چپستی و چرایی نفوذ

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی و ترکیب تفسیری پژوهش‌های فارسی پیرامون پدیده نفوذ، درصدد پاسخ‌گویی به دو پرسش بنیادین درباره چیستی و چرایی نفوذ در بستر جمهوری اسلامی ایران بوده است. یافته‌های حاصل از فراترکیب مطالعات نشان می‌دهد که نفوذ، صرفاً یک رخداد مقطعی یا ابزاری محدود به جاسوسی یا تبلیغات نیست، بلکه فرآیندی پیچیده، پویا و چندبُعدی است که در بستر تعاملی میان سه مؤلفه اساسی، یعنی «مبدأ نفوذ»، «مقصد نفوذ» و «عوامل نفوذی» شکل می‌گیرد. این الگوی سه‌گانه، چارچوبی مفهومی برای درک دقیق‌تر از چیستی نفوذ فراهم می‌آورد و امکان تحلیل دقیق‌تری از ابعاد، اشکال و مسیرهای نفوذ را مهیا می‌سازد.

از حیث چیستی، نفوذ به‌مثابه یک فرآیند ترکیبی و هدفمند شامل دو مرحله «ورود» و «اثرگذاری» «عوامل نفوذی» تلقی می‌شود که در سطوح ذهنی، قلبی، رفتاری، سازمانی و فیزیکی قابل وقوع است. چنین گستردگی‌ای در سطوح اثرگذاری، نشان‌دهنده آن است که نفوذ برخلاف تصور رایج، صرفاً به تغییر تصمیمات نخبگان محدود نمی‌شود، بلکه ساختارهای شناختی و زیرساختی جوامع را نیز هدف قرار می‌دهد.

از حیث چرایی، نفوذ به‌منزله راهبردی کلان برای حداکثرسازی منافع مبدأ تعریف می‌شود که در قالب تحقق چهار هدف شامل مهار، نابودی، همسوسازی محدود و همسوسازی کامل، پیگیری می‌شود. در نظام بین‌المللی معاصر، که رقابت بر سر نفوذ و تأثیرگذاری بر محیط پیرامونی ماهیتی پیچیده، چندبُعدی و فزاینده یافته است، نفوذ به ابزاری کارآمد برای تأمین منافع ملی، بدون تحمل هزینه‌های درگیری مستقیم، تبدیل شده است. کشورهایی که از منظر نظم مسلط (مبدأ نفوذ)، تهدیدزا تلقی می‌شوند یا ظرفیت تغییر معادلات منطقه‌ای و جهانی را دارند، به‌طور طبیعی در اولویت راهبردهای نفوذ قرار می‌گیرند. این میل به نفوذ زمانی به کنش مؤثر بدل می‌شود که مبدأ نفوذ از پشتوانه‌های متنوع قدرت - اعم از اقتصادی، اطلاعاتی، گفتمانی، امنیتی یا فناورانه - برخوردار باشد. در مقابل، کشورهایی که از این مؤلفه‌های قدرت بی‌بهره‌اند، خود در معرض نفوذ قرار می‌گیرند. بر این اساس، نفوذ نه صرفاً ابزاری تاکتیکی، بلکه راهبردی ساختاری برای مدیریت تهدیدها، بهره‌برداری از فرصت‌ها و شکل‌دهی به ساختار قدرت بین‌المللی محسوب می‌شود.

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، نفوذ را می‌توان بدین شکل تعریف کرد: فرآیندی شامل «ورود» عوامل نفوذی «مبدا نفوذ» در «مقصد نفوذ» و «اثرگذاری» بر آن است، که در راستای تحقق چهار هدف کلان شامل «مهار»، «نابودی»، «همسوسازی محدود» و «همسوسازی کامل» «مقصد نفوذ» پیگیری می‌شود. یافته‌های این پژوهش با ارائه تعریفی جامع و چندبعدی از نفوذ و مولفه‌های سه‌گانه آن، به فهم عمیق‌تر چپستی و چرایی این پدیده یاری رسانده و بستری نظری برای مطالعات آتی فراهم آورده است. این چارچوب مفهومی می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا با انسجام و نظام‌مندی بیشتری به تحلیل ابعاد مختلف نفوذ پردازند و از پراکندگی تعاریف و رویکردهای جزیره‌ای پرهیز کنند.

از سوی دیگر، پیامدهای عملی این پژوهش برای سیاست‌گذاران و نهادهای امنیتی قابل توجه است؛ زیرا چارچوب سه‌گانه مذکور امکان طراحی و اجرای راهبردهای پیشگیرانه و مقابله‌ای چندسطحی و هدفمند را فراهم می‌سازد. سیاست‌گذاران می‌توانند با تمرکز بر هر یک از مؤلفه‌ها و ابعاد آنها، از شناسایی و کنترل منابع قدرت مبدأ نفوذ گرفته تا تقویت ساختارها و مقاومت مقصد نفوذ و کنترل فعالیت عوامل نفوذی در سطوح مختلف اقدام نمایند. این رویکرد جامع‌نگر ضرورت همکاری میان دستگاه‌های امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را برای مقابله مؤثر با نفوذهای پیچیده و چندلایه برجسته می‌سازد.

در نهایت، نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که مقابله با نفوذ نمی‌تواند محدود به رویکردهای امنیتی یا سیاسی صرف باشد، بلکه باید به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی با رویکردی فرابخشی، بین‌دستگاهی و راهبردی مدیریت شود تا پاسخ‌گوی چالش‌های نوین این حوزه باشد. در انتها، مبتنی بر یافته‌های پژوهش پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی زیر ارائه می‌شود:

الف) پیشنهادهای کاربردی

۱. تدوین سندی جامع با عنوان «راهبرد ملی مقابله با نفوذ»، مشتمل بر سیاست‌های کلان، اهداف عملیاتی، ساختارهای مسئول، الزامات نهادی، شاخص‌های ارزیابی و .
۲. تدوین و اجرای برنامه‌هایی هدفمند برای ارتقای سواد رسانه‌ای، سواد سیاسی و هوش فرهنگی آحاد جامعه - به‌ویژه نخبگان، دانشگاهیان و مدیران - با هدف ایجاد سپر فرهنگی در برابر نفوذ.

۳. پالایش فرآیندهای انتصاب، استخدام و گزینش در نهادهای کلیدی (سیاسی، فرهنگی، علمی، امنیتی) بر اساس شاخص‌های نفوذپذیری به‌عنوان اقدامی مصون‌کننده در برابر نفوذ.

۴. ارتقای ظرفیت نفوذناپذیری فرهنگی در سیاست‌های فرهنگی، از طریق تمرکز بر تقویت مؤلفه‌هایی چون عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، سبک زندگی اسلامی، عقلانیت انقلابی و انسجام ملی.

ب) پیشنهادهای پژوهشی

۱. توسعه چارچوب مفهومی تدوین شده در این پژوهش از طریق مطالعات بیشتر بر اجزای مختلف آن، مانند بررسی اهداف کلان نفوذ یا ترسیم دقیق ماتریس اثرگذاری عوامل نفوذی و همچنین واکاوی پویایی‌های درونی میان اجزای آن.
۲. مطالعات بین‌رشته‌ای برای تدوین شاخص‌های بومی جهت شناسایی عوامل نفوذی و سنجش میزان نفوذپذیری ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور در سطوح مختلف.
۳. تحلیل و درس‌آموزی از تجربه کشورهای که مقصد نفوذ کشورهای غربی بوده‌اند، مانند چین، روسیه و کره شمالی.
۴. بررسی تأثیر هوش مصنوعی، پلتفرم‌های هوشمند، واقعیت افزوده و الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی در پروژه‌های نفوذ.
۵. بررسی کاربست هوش مصنوعی در رصد و مهار پروژه‌های نفوذ.

منابع فارسی

۱. احمدیان، علی اکبر (۱۳۹۴)، «نظریه نفوذ»؛ تبیین ماهیت انواع نفوذ و رابطه آنها با دستگاه چهار طیفی تهدید (با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و بیانات امام خامنه‌ای (حفظه...))، تهران: فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت، ۸ (۲۸)، ۳۵-۶۸.
۲. احمدی، وحیده (۱۳۹۶)، اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: ۲۰ (۷۶)، ۱۱۳-۱۳۶.
۳. افراشته، مه‌ری و تکتّم فرمانفرمایی (۱۳۹۶)، شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در تمایل افراد به نوع جدید زندگی زوجین (هم‌خانگی)، مجله مدیریت فرهنگی، ۱۱ (۳۷)، ۹۹-۱۰۸.
۴. اکبری، عابد (۱۳۹۹)، مفهوم‌شناسی نفوذ، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۵. بابایی، محمدباقر (۱۳۹۵)، راهبرد مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن، مجله سیاست دفاعی، ۲۵ (۹۸)، ۱۶۳-۱۸۹.
۶. باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۶)، تحول پارادایمی نفوذ و ملاحظات امنیتی، تهران: فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، ۶ (۲۲)، ۱-۲۴.
۷. بصیری، محمدعلی و محسن باقری (۱۳۹۷)، نقش سازمان‌های اطلاعاتی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با نفوذ و تأمین امنیت ملی از منظر مقام معظم رهبری، تهران: چهارمین همایش تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای.
۸. بیات، جلیل (۱۳۹۹)، نفوذ فرهنگی به مثابه اسب تروا غرب در ایران، در عابد اکبری، مفهوم‌شناسی نفوذ (صص ۵۵-۷۴)، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۹. تاجیک، هادی و علی حمزه‌پور (۱۴۰۲)، استراتژی انگلیس در نفوذ فرهنگی به جمهوری اسلامی ایران و ارائه راه‌کارهای مقابله با آن، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۰ (۱)، ۲۰-۴۱.

۱۰. حسینی نژاد، بی‌بی‌راضیه و حسین ارجینی (۱۴۰۱)، تحلیل زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر نفوذ فرهنگی؛ با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، معرفت، ۳۱(۳)، ۷۱-۸۳.
۱۱. دوستدار، رضا و صفی‌اله ذوقی (۱۳۹۸)، بررسی مفهوم نفوذ در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۶(۴۹)، ۳۷-۶۶.
۱۲. دهقانی، محمدحسن (۱۳۹۹)، نگاهی راهبردی به مسئله نفوذ در ایران، در عابد اکبری، مفهوم‌شناسی نفوذ (۱۸۷-۱۹۶)، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۳. رحیمی، بهمن و دیگران (۱۴۰۱)، طرح راهبردی مقابله با نفوذ امنیتی - اطلاعاتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آرا و اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله)، تهران: فصلنامه امنیت ملی، ۱۲(۴۳)، ۳۳-۶۶.
۱۴. رستم‌پور، محمد (۱۴۰۲)، موریانگی: نفوذ و نفوذی در ادبیات رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۵-۱۳۶۸)، تهران: انتشارات ایران.
۱۵. رستمی، محمد (۱۴۰۱)، بررسی پروژه برنامه‌ریزی شده نفوذ دشمن از دیدگاه مقام معظم رهبری، قم: شهید کاظمی، چاپ نهم.
۱۶. روحی، مهدی؛ فیروزکوهی، مهدی؛ کریم‌زاده، علی؛ برزنونی، محمدعلی؛ حمزه‌پور، علی و صفری، ابراهیم (۱۴۰۱)، چیستی نفوذ فکری-فرهنگی، نشریه علمی آفاق امنیت، ۱۵(۵۴)، ۱۹۷-۲۲۷.
۱۷. سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۹)، پروژه نفوذ از طریق دیپلماسی علمی در عصر استعمار نوین، در عابد اکبری، مفهوم‌شناسی نفوذ (صص ۱۷۱-۱۸۶)، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۸. سعیدی‌صابر، احسان و محمد دژکام (۱۴۰۱)، مفهوم‌شناسی نفوذ در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۹. سلیمانی، یاسر و دیگران (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی نفوذ اقتصادی در چارچوب منویات مقام معظم

- رهبری (مدظله) و دانش اطلاعاتی-امنیتی»، فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت، ۱۰(۳۵)، ۳۷-۶۲.
۲۰. سهرابی، بابک و دیگران (۱۳۹۰)، آسیب شناسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۲(۶)، ۹-۲۴.
۲۱. عالیخانی، غلام‌رضا و زکیه عالیخانی (۱۴۰۰)، رهیافتی بر تبیین نفوذ فرهنگی و عوامل آن با تأکید بر آیات قرآن و اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی- حقوقی قانون یار، ۴(۱۶)، ۱۸۷-۴۰۶.
۲۲. علوی، یحیی و فرهنگ مجاهد (۱۳۹۶)، بررسی مؤلفه‌های نفوذ اقتصادی در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی با تأکید بر «الگوی قرارداد نفت ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت، ۱۰(۳۵)، ۶۳-۹۲.
۲۳. فیض، داود و دیگران (۱۳۹۴)، شناسایی ذهنیت افراد نسبت به نفوذ با استفاده از روش کیو، مجله سیاست دفاعی، ۲۴(۹۳)، ۷۳-۱۰۰.
۲۴. قنبری، محمد و دیگران (۱۳۹۷)، الگوی دفاعی مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا (مدظله العالی) در مقابله با نفوذ دشمن، تهران: چهارمین همایش تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای.
۲۵. گنج‌خانی، احمد (۱۴۰۲)، راه‌کارهای قرآنی مقابله با نفوذ دشمن در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌عالی)، دوفصلنامه علمی- تخصصی مطالعات اعتقادی سیاسی، ۱۱(۱)، ۷۳-۹۵.
۲۶. گوهری‌مقدم، ابوزر و حامد کیانی‌مجاهد (۱۳۹۷الف)، نفوذ گفتمانی ایالات متحده آمریکا در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اندیشه‌های مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۷(۲۴)، ۹۷-۱۱۵.
۲۷. گوهری‌مقدم، ابوزر و حامد کیانی‌مجاهد (۱۳۹۷ب)، تحلیل سیستمی مسئله نفوذ و منظومه اثرگذاری آن با تأکید بر ابزارهای نوین دیپلماسی، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۱(۸۰)، ۱۵۹-۱۸۲.
۲۸. متقی، ابراهیم و حسین امینی (۱۳۹۶)، نشانه شناسی نفوذ در سیاست خارجی ایران (با تأکید بر

دهه ۱۳۹۰)، فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت، ۱۰ (۳۵)، ۹۳-۱۲۰.

۲۹. متقی، ابرهیم (۱۳۹۹)، ترمیدور و معادله نفوذ در کشورهای انقلابی، در عابد اکبری، مفهوم‌شناسی نفوذ (صص ۲۷-۵۴)، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۳۰. مطیعی، میثم و دیگران (۱۳۹۹)، گفتمان کاوی جریان‌های نفوذ فکری- فرهنگی دشمنان در عصر امیرالمومنین علی (ع)، فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء، ۱۷ (۴)، ۱۷۵-۲۱۲.

۳۱. نصیری، علی‌اصغر و دیگران (۱۳۹۷)، نفوذ پسابرجامی در نیروهای مسلح و راه‌کارهای مقابله با آن، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی- امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، ۷ (۲۵)، ۴۱-۶۲.

منابع لاتین

1. Ajzen, I. (1991). The Theory of Planned Behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 179-211.
2. Asch, S. E. (1951). Effects of group pressure upon the modification and distortion of judgments. In H. Guetzkow (Ed.), *Groups, leadership and men; research in human relations* (pp. 177-190). Carnegie Press.
3. Bandura, A. (1986). *Social Foundations of Thought and Action: A Social Cognitive Theory*. Prentice-Hall.
4. Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. Harvard University Press.
5. Castells, M. (1996). *The rise of the network society*. Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
6. Epstein, R., & Robertson, R. E. (2015). The search engine manipulation effect (SEME) and its possible impact on the outcomes of elections. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 112(33), E4512-E4521.
7. Frank, A. G. (1966). The Development of Underdevelopment. *Monthly Review*.
8. Habermas, J. (1975). *Legitimation Crisis*. Beacon Press.
9. Kindleberger, C. P. (1973). *The World in Depression, 1929-1939*. University of California Press.
10. Kramer, A. D. I., Guillory, J. E., & Hancock, J. T. (2014). Experimental evidence of mas-

sive-scale emotional contagion through social networks. Proceedings of the National Academy of Sciences, 111(24), 8788–8790.

11. Mead, G. H. (1934). *Mind, Self, and Society*. University of Chicago Press.

12. Nye, J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. PublicAffairs

13. Sandelowski, M.J., & Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. NewYork:Springer

14. Thaler, R. H., & Sunstein, C. R. (2008). *Nudge: Improving Decisions about Health, Wealth, and Happiness*. Yale University Press.

15. Wallerstein, I. (1974). *The Modern World-System*. Academic Press.

16. Zimmer, L. (2006). Qualitative Meta-Synthesis: A Question of Dialoguing with Texts. *Methodological Issues in Nursing Research*, 53(3), 311-318. DOI:10.1111/j.1365-2648.2006.03721.x .